

تنگه هرمز و بحران خاموش کود

وابستگی نزدیک نیمی از صادرات اوره جهان از مسیر هرمز، هر اختلال ژئوپلیتیک را به شوکی در بازار نهاده‌های کشاورزی و محرکی پنهان برای تورم غذایی بدل می‌کند

به‌سرعت جریان عرضه را مختل کند و بازار را در معرض نوسان قرار دهد.

اشرفی اصفهانی می‌افزاید که افزایش قیمت اوره در نگاه نخست شاید صرفاً موضوعی صنعتی به نظر برسد، اما تبعات آن بسیار فراتر از این حوزه است. اوره، منبع اصلی نیتروژن در اغلب محصولات کشاورزی است و هر افزایش قیمتی، مستقیم بر هزینه تولید اثر می‌گذارد. برای بسیاری از کشاورزان، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، افزایش قیمت‌ها به معنای کاهش مصرف کود است؛ تصمیمی که در کوتاه‌مدت موجب افت عملکرد و در بلندمدت سبب کاهش حاصل خیزی خاک می‌شود. این زنجیره پیامدها سرانجام به تورم غذایی دامین می‌زند و امنیت غذایی کشورها را در معرض تهدید قرار می‌دهد.

فشار بر امنیت غذایی

پیامدهای شوک قیمتی اوره، محدود به مزارع و کشاورزان نیست؛ این تکانه به‌سرعت به بازار جهانی محصولات غذایی منتقل می‌شود. کاهش تولید، افزایش هزینه نهاده‌ها و افت بهره‌وری، مجموعه‌ای از فشارهای هم‌زمان را پدید می‌آورد که قیمت نهایی مواد غذایی را در سطح جهانی بالا می‌برد. اشرفی اصفهانی این روند را «محرک خاموش تورم غذایی» می‌نامد؛ پدیده‌ای که می‌تواند اقتصاد کشورهای وابسته به واردات مواد غذایی را به‌ویژه در دوره‌های ناپایداری بازار، تحت فشار جدی قرار دهد.

او توضیح می‌دهد که شدت این اثرگذاری تابع مجموعه‌ای از عوامل است: از میزان ذخایر استراتژیک کشورها گرفته تا سیاست‌های حمایتی دولت‌ها، تنوع سبد تأمین کود و شرایط اقلیمی. کشورهایی که به یک یا دو منبع محدود متکی‌اند، در برابر اختلال‌های ژئوپلیتیک آسیب‌پذیرترند؛ در حالی که تنوع بخشی به منابع و توسعه تولید داخلی نهاده‌ها می‌تواند تا حدی ثبات بازار را حفظ کند. به گفته او، تجربه بحران‌های پیشین نشان می‌دهد که بازار نهاده‌های کشاورزی نسبت به شوک‌های انرژی و حمل‌ونقل واکنش بسیار سریعی دارد. هر اختلالی در عرضه گاز طبیعی، مستقیماً تولید اوره را کاهش می‌دهد و به دنبال آن قیمت جهانی افزایش می‌یابد. این چرخه فشار در نهایت بر تصمیمات کشت و الگوی تولید اثر می‌گذارد و توازن عرضه جهانی غلات را برهم می‌زند. اشرفی اصفهانی تأکید می‌کند که پاسخ به پرسش «آیا گرانی اوره به افزایش قیمت محصولات کشاورزی منجر می‌شود؟» بیش از آنکه یک احتمال باشد، پرسشی درباره «شدت و دامنه» تأثیرات است. این ارتباط وجود دارد و انکارناپذیر است؛ آنچه آینده را تعیین می‌کند، کیفیت مدیریت بحران در سطوح ملی و بین‌المللی است. از نگاه او، در چنین شرایطی اهمیت سیاست‌گذاری هوشمندانه بیش از هر زمان دیگری آشکار می‌شود؛ سیاستی که بر تنوع بخشی، افزایش تاب‌آوری زنجیره تأمین و بهینه‌سازی مصرف نهاده‌ها استوار باشد.



حمیدرضا کاشانی

روزنامه نگار

و سطح زیرکشت اتخاذ می‌شود. در چنین فضایی، هر تصمیم برای کاهش مصرف کود، هم‌زمان به افت عملکرد، افزایش هزینه نهایی هر واحد محصول و شکل‌گیری موج تازه‌ای از تورم غذایی در بازارهای جهانی گره می‌خورد.

بحران خاموش اوره

بازار جهانی کودهای شیمیایی در میانه تنش‌های ژئوپلیتیک اخیر، به آستانه یک جهش قیمتی تازه رسیده است؛ جهشی که نه فقط هزینه تولید را بالا می‌برد، بلکه توان رقابتی بخش کشاورزی را نیز تهدید می‌کند. عطاالله اشرفی اصفهانی، نایب‌رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق تهران، با اشاره به درهم‌تنیدگی زنجیره‌های تأمین جهانی می‌گوید: در حالی که توجه‌ها بیشتر معطوف پیامدهای نفتی تحولات اخیر است، بازار اوره به‌عنوان یکی از حیاتی‌ترین نهاده‌های تولید غذا، در برابر شوکی جدی قرار گرفته است. او تأکید می‌کند که هر تنش ژئوپلیتیک، اثری فراتر از میدان‌های نظامی دارد و انعکاس آن گاه تا دورترین بازارهای جهانی کشیده می‌شود. ایران، به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان مهم اوره، نقش قابل توجهی در تأمین این نهاده برای بازارهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارد. هم‌زمان، تنگه هرمز به‌عنوان یکی از شریان‌های اصلی تجارت پتروشیمی جهان، مسیر عبور بخش زیادی از صادرات اوره محسوب می‌شود. از همین رو، هرگونه اختلال در این آبراه می‌تواند

۲۲ میلیون تن اوره از این منطقه عملاً متوقف شده، در حالی که نزدیک به ۴۶ درصد از تأمین جهانی کود به تولیدکنندگان خلیج فارس وابسته است. این اختلال تنها یک شوک قیمتی مقطعی نیست؛ بلکه وقفه‌ای ساختاری در جریان نهاده‌ای است که مستقیماً پشتوانه تولید گندم، برنج، ذرت و سویا در جهان به‌شمار می‌آید. شوک عرضه، هم بر حمل‌ونقل و هم بر تولید سایه انداخته است. تولید کود شدیداً به گاز طبیعی وابسته است و گاز تا حدود ۹۰ درصد هزینه‌های تولید را تشکیل می‌دهد. با مختل شدن جریان گاز، کارخانه‌های بزرگ در مراکز کلیدی تولید ناچار به توقف شدند. در قطر، شرکت «قطر انرژی» تولید گاز را متوقف کرد و تأسیسات تولید اوره‌ای که ۱۴ درصد نیاز جهانی را پوشش می‌داد، از مدار خارج شد. این اختلال به‌سرعت به هند و بنگلادش سرایت کرد و بخشی از ظرفیت تولید کود در این کشورها نیز متوقف شد. افزایش قیمت کود در این کشورها نیز متوقف شد. مقیاس جهانی تحت فشار قرار داده است. در سناریوی تداوم اختلال، قیمت کودهای نیتروژنی می‌تواند تا دو برابر و کودهای فسفاته بیش از ۵۰ درصد افزایش یابد؛ تحولی که حاشیه سود بسیاری از تولیدکنندگان را به‌شدت فرسوده می‌کند. این بحران در بدترین زمان ممکن، یعنی هم‌زمان با فصل کشت بهاره در نیمکره شمالی رخ داده است؛ دوره‌ای که تقاضا برای کود در اوج قرار دارد و تصمیم‌های کلیدی درباره الگوی کشت

در سایه جنگ تحمیلی سوم، بازار جهانی کودهای شیمیایی با تکانه‌ای کم‌سابقه روبه‌رو شده است؛ تکانه‌ای که در فاصله تنها یک ماه، قیمت اوره را ۵۶ درصد بالا برده و زنجیره تأمین غذا را در سطح جهان تحت فشار قرار داده است. قیمت هر تن اوره از ۴۸۲ دلار در ۲۷ فوریه به ۷۵۰ دلار در پایان مارس رسیده؛ جهشی که آثار آن به‌سرعت از تابلوی قیمت‌ها در بنادر، به زمین‌های کشاورزی و سفره خانوارها سرایت می‌کند. کشاورزان اکنون در برابر دو انتخاب دشوار قرار گرفته‌اند: یا باید هزینه‌های بالاتر نهاده‌ها را بپذیرند و فشار مالی بیشتری را تاب بیاورند، یا مصرف کود را کاهش دهند و خطر افت محصول را به جان بخردند؛ وضعیتی که در هر دو حالت، توازن ظریف میان بهره‌وری و هزینه در تولید کشاورزی را برهم می‌زند. اهمیت این شوک زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم حدود یک سوم تجارت جهانی کود از مسیر دریای منجم می‌شود و نزدیک به نیمی از صادرات اوره جهان ناگزیر از عبور از تنگه هرمز است؛ آبراهی که هرگونه اختلال در آن، بی‌درنگ در قیمت‌ها، حاشیه سود کشاورزان و در نهایت امنیت غذایی جهانی منعکس می‌شود.

شریان پنهان بازار غلات جهان

برآوردها نشان می‌دهد محدودیت‌های اعمال شده بر حمل‌ونقل در تنگه هرمز، توان تأمین کود جهانی را حدود ۳۳ درصد کاهش داده است. صادرات سالانه

۶۶

رشد ناگهانی

قیمت کودهای

نیتروژنی،

هم‌زمان با فصل

کشت بهاره،

هزینه تولید را

بالا برده و خطر

کاهش عملکرد

مزارع و افزایش

قیمت جهانی

مواد غذایی را

تقویت کرده

است

شوگ هرمز به زنجیره تأمین جهانی

اختلال شدید و ناگهانی در عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز بار دیگر نشان داد که این گذرگاه دریایی تا چه اندازه برای ثبات اقتصاد جهانی حیاتی است. کاهش بیش از نود درصدی ترافیک دریایی در جریان جنگ تحمیلی رمضان، تنها یک اختلال در صادرات انرژی نبود؛ بلکه شوکی زنجیره‌ای به جریان نهاده‌های کشاورزی، خوراک دام و در نهایت امنیت غذایی جهان وارد کرد. تنگه هرمز نه فقط مسیر محموله‌های نفت و گاز، که شریان اصلی جابه‌جایی کودهای شیمیایی و مواد اولیه تولید غذاست؛ جایی که نزدیک به سی و پنج درصد نفت خام جهان، یک‌پنجم تجارت ال‌ان‌جی و حدود سی درصد مبادلات جهانی کود عبور می‌کند. از همین رو هر تنش در این منطقه، بی‌درنگ به حوزه‌هایی فراتر از بازار انرژی تسری می‌یابد.

با افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیکی، هزینه حمل‌ونقل و بیمه به شکل کم‌سابقه‌ای جهش کرده است. حق بیمه ریسک جنگ برای کشتی‌ها از حدود یک چهارم درصد ارزش کشتی به حدود ده درصد رسیده، و پوشش بیمه‌ای نیز به دوره‌های کوتاه‌مدت محدود شده است. حتی اگر تنش‌ها فروکش کند، چنین افزایش شدیدی در هزینه‌ها می‌تواند ماه‌ها جریان تجارت دریایی را دچار فشار مالی و لجستیکی کند. این وضعیت هم‌زمان بازار جهانی کود را نیز تحت تأثیر قرار داده است. قیمت اوره گرانول در خاورمیانه رشد کرده و نرخ اوره مصر در اوایل مارس جهشی بیست و هشت درصدی داشته است. از آنجا که گاز طبیعی ماده اولیه اصلی کودهای نیتروژنی است، افزایش بهای انرژی اثر دوگانه‌ای بر قیمت نهاده‌ها دارد و تحلیل‌های فائو نشان می‌دهد در صورت تداوم این اختلال، قیمت جهانی کود در نیمه نخست ۲۰۲۶ ممکن است بین پانزده تا بیست درصد بالا برود.

پیامد این روند برای کشاورزان آشکار است. افزایش هم‌زمان هزینه کود و سوخت، بهای تولید را در بسیاری از کشورها بالا برده و بر آبیاری، حمل‌ونقل و عملیات مزرعه فشار وارد می‌کند. در چنین شرایطی برخی تولیدکنندگان ناچار می‌شوند مصرف کود را کاهش دهند یا به سمت محصولات با نیاز نهاده‌ای کمتر حرکت کنند. مدت‌زمان ادامه اختلال، نقشی تعیین‌کننده دارد: وقفه‌های چند هفته‌ای قابل مدیریت است، اما استمرار بیش از سه ماه می‌تواند برنامه‌های کشت سال ۲۰۲۶ و حتی سال‌های بعد را به‌ویژه در مورد گندم، برنج و ذرت تحت تأثیر قرار دهد.

افزون بر این پیامدهای مستقیم، اثرات ثانویه‌ای نیز در جریان است. افزایش تمایل به کشت محصولات که توان تثبیت نیتروژن دارند، مانند سویا، یکی از نتایج محتمل است. از سوی دیگر، بالا رفتن قیمت نفت ممکن است تقاضا برای سوخت‌های زیستی را تقویت کند و رقابت میان بخش انرژی و صنعت خوراک دام را تشدید سازد. این مجموعه تحولات می‌تواند روند نزولی شاخص قیمت مواد غذایی فائو را متوقف کند و نشان دهد که اقتصاد جهانی همچنان به‌چندگلوگاه حساس وابسته است؛ نقاطی که هر اختلال در آن‌ها اثراتی زنجیره‌ای در امنیت غذایی بر جای می‌گذارد.

جنگی که ثبات اقتصادی آمریکا را لرزاند

به باور دارن عجم‌اوغلو، برنده نوبل اقتصاد، نمایش بی‌توجیه قدرت سخت توسط ترامپ، سرمایه اقناع و جذب آمریکا را نابود می‌کند؛ ابرقدرتی که چون قلدری رفتار کند، جهان اورا تنها می‌گذارد

مقاومت ستودنی ایران

این واقعیت که ایران فرو نخواهد باشد، حتی اگر رهبری آن ترور شود، می‌بایست از ابتدا برای مقامات آمریکایی روشن می‌بود. همچنین قابل پیش‌بینی بود که ایران در واکنش به این حملات، اقداماتی تلافی‌جویانه با هدف افزایش قیمت نفت انجام دهد. همه می‌دانستند تنگه هرمز یکی از اهرم‌های راهبردی ایران است، با این حال به نظر می‌رسد این ملاحظات نادیده گرفته شد.

اقتصاد جهانی هم‌اکنون با چالش‌های جدی روبه‌رو است. بی‌ثباتی در بازار انرژی و افزایش نااطمینانی جهانی می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای به دنبال داشته باشد. جهش قیمت نفت سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را کند می‌کند و هزینه‌ها را بالا می‌برد. تورم و بی‌کاری افزایش می‌یابد و دولت‌هایی که با چالش‌های متعدد مواجه‌اند، تحت فشار بیشتری قرار می‌گیرند.

بهای سیاسی جنگ غیر ضروری

در داخل ایالات متحده نیز به نظر می‌رسد ترامپ ناگزیر باشد بهای سیاسی سنگینی برای این جنگ در انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر بپردازد. با این حال، او خود را به‌عنوان رهبری ضد ساختار حزبی معرفی کرده است. اگر حامیان وفادارش، به جای او، حزب سیاسی را مسئول وضعیت نامطلوب اقتصادی بدانند، این روند می‌تواند شکاف‌های سیاسی را تعمیق کرده و نهادهای کشور را بیش از پیش تضعیف کند. احتمال دارد ترامپ با اقدامات داخلی بیشتر به تشدید این بحران دامن بزند، زیرا بسیاری از نهادهایی که قرار بود قدرت ریاست جمهوری را مهار کنند، کارآمدی پیشین خود را از دست داده‌اند.

سیاست داخلی ایران و روابط آن با ایالات متحده گذشت. درس روشن است: مداخلات ایالات متحده اغلب پیامدهای پیش‌بینی نشده به همراه دارند. این اقدامات تنها موجب رنجش‌های پایدار نمی‌شوند، بلکه قدرت نرم آمریکا، یعنی توان اقناع و جذب برای حفظ اتحادهای جهانی و ترغیب دیگر کشورها را نیز تضعیف می‌کنند.

تضعیف قدرت نرم آمریکا

این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که افکار عمومی جهان معمولاً زمانی واکنش نشان می‌دهد که یک ابرقدرت رفتاری مشابه یک قلدر از خود بروز دهد. نمایش‌های مکرر و غیر ضروری قدرت سخت، به‌ویژه هنگامی که فاقد توجیه منطقی باشد، می‌تواند سرمایه قدرت نرم را فرسوده کند. در دوران جنگ سرد، ایالات متحده دست‌کم هدفی کلی برای جلوگیری از گسترش کمونیسم داشت که تهدیدی واقعی تلقی می‌شد. بدتر آنکه یک کارزار جنگی ضعیف و فاقد برنامه‌ریزی دقیق، که پیامدهای انسانی آن نادیده گرفته شد، می‌تواند اعتبار بین‌المللی یک کشور را به پایین‌ترین سطح برساند. آنچه اکنون در خاورمیانه جریان دارد، جنگی است که شتاب‌زده و بدون محاسبه دقیق پیامدها آغاز شده است؛ جنگی که با واکنش‌های تند ایران همراه خواهد شد و می‌تواند به بی‌ثباتی منطقه و افزایش قیمت نفت بینجامد.

یکی از نکات شگفت‌آور این جنگ آن است که حتی در مقایسه با برخی مداخلات ناآرام دوران جنگ سرد نیز فاقد انسجام راهبردی به نظر می‌رسد. نیروهای نظامی ایالات متحده و اسرائیل به اهداف دقیق و تسلیحات پیشرفته دسترسی داشتند، اما استراتژی خروج روشنی ارائه نشد.

دارن عجم‌اوغلو، اقتصاددان برجسته MIT و نوبلیست اقتصاد، در تحلیلی تند از سیاست‌های دولت ترامپ در قبال ایران، از بهایی سخن می‌گوید که خود آمریکا خواهد پرداخت. به باور او، مداخلات شتاب‌زده در خاورمیانه نه‌فقط امنیت جهانی، بلکه قدرت نرم و بنیان‌های دموکراسی در داخل ایالات متحده را فرسوده است. عجم‌اوغلو با رجوع به تجربه‌های تاریخی و مداخلات ناموفق گذشته، هشدار می‌دهد که بحران کنونی می‌تواند ثبات اقتصادی و اجتماعی آمریکا را برای سال‌ها متزلزل کند.

پیامدهای یک سیاست ناپخته

به نظر می‌رسد سیاست‌های خارجی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، پیامدهای منفی بلندمدتی برای نهادهای آمریکا به همراه داشته باشد. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های این سیاست‌ها، ماجراجویی در خاورمیانه است که به‌ویژه در نحوه برخورد با ایران، تهدیدهایی علیه دموکراسی، ثبات اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی ایالات متحده ایجاد کرده است. تحت ریاست جمهوری ترامپ، سیاست خارجی ایالات متحده به یکی از پایین‌ترین سطوح خود رسیده است. جنگ دولت ترامپ با ایران، که پس از ر بوده‌شدن رئیس‌جمهور ونزوئلا رخ داد، آسیب‌های جدی به آمریکا وارد خواهد کرد و نگاه سایر کشورها به قدرت ایالات متحده را تغییر خواهد داد. این نخستین بار نیست که ایالات متحده در سیاست خارجی خود با شکست مواجه می‌شود. یکی از مهم‌ترین مداخلات اشتباه در تاریخ معاصر، کودتای سیا علیه نخست‌وزیر منتخب ایران، محمد مصدق، در سال ۱۹۵۳ بود. این اقدام پس از ملی‌شدن صنعت نفت ایران انجام شد و پیامدهای بلندمدتی بر